

# شادی شکلاتی هرگز!

زندگی مؤمنانه و زندگی مسئولانه

حسین امینی پویا

در شماره قبل گفتیم باور درست به خدا و قیامت، به زندگی ما شکلی تازه می‌بخشد چرا که این باور مستلزم پیروی و پای‌بندی عملی به مجموعه‌ای از تعالیم و تکالیف و شیوه‌ای از زندگی است که معتقدیم از سوی خداوند بزرگ عرضه شده است.



آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ مرا سرگرم سازد چونان حیوان‌پروری که تمام همت او علف است یا چون حیوانی رها شده که کارش چریدن و پر کردن شکم بوده و از آینده خود بی‌خبر است. آیا مرا بیهوده آفریده‌اند؟! آیا مرا به بازی گرفته‌اند؟!  
ره‌آورد چنین زندگی‌ای باز به تعبیر آن حضرت چیزی جز زباله و کود نیست.

## بهای آدمی، بهشت ابدی است

انسان باورمند به معاد، ارزش خود را می‌فهمد، می‌داند که نباید خود را به بهایی کمتر از لقای خدا و بهشت ابدی بفروشد در غیر این صورت از زیانکاران خواهد بود، به قول مولانا:

خویشتن نشناخت مسکین آدمی

از فزونی آمد و شد در کمی

خویشتن را آدمی ارزان فروخت

بود اطلس، خویش بر دلقی بدوخت

(مثنوی، دفتر سوم ابیات ۱۰۰۱-۱۰۰۰)

می‌بینید که سبک و شیوه زندگی هر فردی متأثر از نوع باورها و ارزش‌هایی است که به آنها معتقد است و در این میان نوع نگاه به انسان و جایگاه وی در هندسه هستی نیز تعیین‌کننده است.

درست است که دنیا و هر آنچه در آن است به‌خاطر انسان و برای خدمت به او آفریده شده است، اما تمام زندگی مادی و این جهانی بشر، جز مقدمه و ابزاری برای رسیدن به زندگی واقعی او نیست. رسول خدا(ص) فرموده است: «همانا دنیا برای شما آفریده شده است، اما شما برای آخرت.» (میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۶۹۲)

کسانی که معنای زندگی‌شان دنیاست همانند کودکانی هستند که از سر ناآگاهی با دانه‌ای شکلات شاد شده و در پوست خود نمی‌گنجد. قرآن کریم درباره این گروه می‌فرماید: «به زندگی دنیا خوشحال شده در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت متاع ناچیزی است.» (رعد: ۲۶)

اینها نگاهشان به انسان نیز ناقص و نارساست. در نظر این‌گونه افراد انسان گویا چیزی بیش از طبیعت حیوانی‌اش ندارد در حالی که آدمی علاوه بر عنصر مادی که در آن با حیوان مشترک است عنصری ملکوتی و الهی نیز دارد. به‌همین دلیل نیز نمی‌تواند به حیات حیوانی دل خوش کند. امام علی(ع) در این مورد چه زیبا فرموده است: «من

بخش عمده‌ای از این تکالیف، به رابطه دنیا و آخرت و بایدها و نبایدهای مؤثر بر سعادت ابدی آدمی مربوط است که عقل و تجربه بشری به دلیل عدم دسترسی به جهان دیگر از دست‌یابی و کشف و درک آنها ناتوان است و خداوند از سر لطف و توجه این آگاهی‌های گسترده را از طریق وحی و به شکل دین به ما عرضه کرده است. پس اگر زندگی آدمی محدود به دنیا بود نیازی به دین به این شکل نبود.

اینکه می‌بینیم کسانی بی‌هدف زندگی می‌کنند و تنها به خوردن و خوابیدن و لذت‌بردن می‌اندیشند ناشی از نداشتن اعتقاد درست به خدا و معاد است.

## آیا در هر کاری، لذت اصل است؟

در نگاه آنها در هر کاری لذت اصل است. چنین معنایی از زندگی به هیچ‌وجه نمی‌تواند انسان‌های باورمند به مبدأ و معاد و کمال‌طلب را ارضاء کند؛ زیرا در نگاه آنها دنیا فقط مقطعی از زندگی است که به لحاظ زمانی بخش ناچیزی از مجموع حیات انسانی آنها را تشکیل می‌دهد. در نگاه مؤمن حیات واقعی در سربایی دیگر است.



## زندگی مؤمنانه، زندگی مسئولانه

می‌بینید که زندگی مؤمنانه همان زندگی مسئولانه است. درست است که انسان مؤمن خود را در اندیشه و عمل آزاد می‌بیند؛ یعنی در چارچوب اختیار خویش به هر کار که بخواهد، می‌تواند دست بزند و از هر راهی که خواست می‌تواند برود و هرچه اراده کرد می‌تواند بگوید، اما آیا در قلمرو دست‌یابی به خواسته‌های آرمانی مجاز است این‌گونه و به دلخواه عمل کند؟

معلوم است که باورهایش به او این اجازه را نمی‌دهند. مؤمن به خدا باور دارد و می‌داند که خداوند ناظر کارها و حرکات اوست.

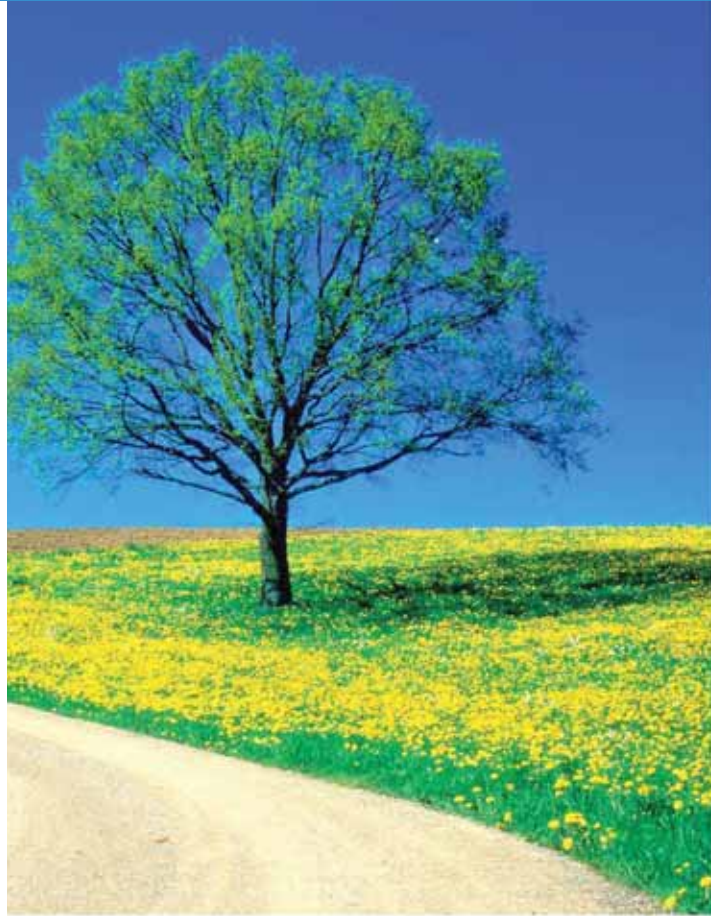
خدایی که چیزی از او پنهان نمی‌ماند. او به معاد؛ یعنی به روزی باور دارد که همه آدمیان در آن گرد هم می‌آیند و از ریز و درشت کردار آنان پرسیده می‌شود. پس شایسته است خود را در غرقاب امیال و لذت‌جویی‌های حیوانی گرفتار نکنند و فراموش نکنند که رها شده و بی‌تکلیف نیست.

به قول حکیم گنجه‌ای:

کار من و تو بدین درازی کوتاه کنم که نیست بازی

مؤمن باور دارد که حساب و کتابی در کار است و برای همین در هر تصمیم و کار و اندیشه‌ای احساس مسئولیت می‌کند و این است که می‌گوییم زندگی مؤمنانه همان زندگی مسئولانه است.

در شماره بعدی با هم گستره مسئولیت‌های آدمی را پی می‌گیریم. ان شاء الله



## دو نگاه، دو تعریف

دو نوع نگاه و تعریف در مورد انسان وجود دارد. یکی تعریفی که می‌کوشد انسان را از نظر هویت موجودی کاملاً مستقل، رها، آزاد و فارغ از هرگونه تکلیفی معرفی کند و برتری انسان را ناشی از زور و قدرت وی بداند که با این فرض، هرگونه رسالت و مسئولیتی را برای انسان بی‌معنی می‌داند. اما نگاه دیگر، انسان را نه یک موجود آزاد آزاد، بلکه دارای تکلیف می‌داند. دیدگاهی که انسان را به حکم شایستگی‌ها و صلاحیت‌های ویژه فطری‌اش از طرف خدا برگزیده معرفی می‌کند و به همین دلیل برای او مسئولیت و رسالتی قائل است.

او امانتدار خدا، بنده و خلیفه اوست. او آزاد و در عین حال مسئول ساختن خود و افراد دیگر و مسئول آباد کردن زمین است. از او خواسته شده است که با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را برگزیند.

